

احساس امنیت اجتماعی در شهر همدان و عوامل مؤثر بر آن

(با تکیه بر نگرش به عملکرد پلیس)

سیده معصومه حسینی اخگر^۱، اسماعیل بلالی^۲، مریم مختاری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۶

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۱/۲۳

چکیده

تحقیق حاضر با هدف تعیین عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر همدان انجام شده است. فضاهای شهری به عنوان بستر زندگی و فعالیت شهروندان باید بتوانند با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی و اجتماعی، جنسی، محیطی امن، سالم و پایدار و جذاب را برای همه افراد فراهم کند و به نیاز تمامی اقشار اجتماعی پاسخ مناسب داده و پاسخگوی حداقل نیازها باشند (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۰). بی‌تردید، عوامل گوناگونی در ایجاد امنیت و احساس امنیت دخالت دارند که در این تحقیق به بررسی برخی از این عوامل در شهر همدان پرداخته شده است. روش تحقیق، توصیفی - پیمایشی بوده و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری گردید. جامعه آماری تحقیق، کلیه افراد بالای ۱۸ سال شهر همدان بود که ۳۹۰ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌های تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری میان افراد جوان و افراد مسن، میان افراد مجرد و متأهل، میان لرها و سایر اقوام و ... از نظر احساس امنیت اجتماعی وجود داشت. همچنین، رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی- اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان دینداری، نگرش نسبت به عملکرد پلیس و متغیر وابسته میزان احساس امنیت اجتماعی دیده شد. در بین متغیرهای تحقیق، اعتماد اجتماعی با ۳۲ درصد بیشترین سهم را در تبیین احساس امنیت اجتماعی داشت. با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل ۴۱/۷ درصد از واریانس احساس امنیت اجتماعی تبیین گردید.

واژگان کلیدی

احساس امنیت اجتماعی، رسانه‌های جمعی، نگرش به عملکرد پلیس، نظریه ساختاریایی، همدان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج (نویسنده مسؤول) hoseini918@yahoo.com

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا

۳. عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج

مقدمه

امنیت پیش‌زمینه یک اجتماع سالم و احساس امنیت بسترساز توسعه جوامع انسانی است و سعادت یک اجتماع در گرو حفظ و بقا امنیت و احساس ناشی از آن است. حضور مردم در فضای عمومی شهر مستلزم احساس امنیت از سوی آنان است. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس یا احساس ناامنی است.

زندگی جمعی انسان از نیاز به امنیت^۴ سرچشمه می‌گیرد. امنیت از مفاهیم بااهمیت، پیچیده و جدید در دنیای امروز و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. پیش‌شرط رشد جوامع و خودشکوفایی آنها متکی بر سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی بوده و این دو نیازمند امنیت، احساس امنیت و ایمنی است. بوزان^۵ (۱۳۷۸) معتقد است که تعاریف لغوی امنیت عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی) احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) است (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴).

به‌طور اصولی، امنیت با رهایی از تهدید مرتبط است. بنابراین، هر آنچه که یک تهدید را تشکیل می‌دهد در حقیقت یک موضوع امنیت است و دارای دو جنبه است: ذهنی که مبتنی بر درک ارجاعی اهداف و نسبی، زیرا هیچ فرد یا دستگاهی در امنیت کامل به سر نمی‌برد (اونیل^۶، ۲۰۰۶: ۳۲۲). تأثیرگذارترین ایده از گسترش مفهومی مطالعات امنیتی در دهه ۹۰ که از سوی مکتب کپنهاگ^۷ ظهور کرد، مفهوم امنیت اجتماعی بود. امنیت اجتماعی بُعد جدیدی از ابعاد امنیت است که در حال شکل‌گیری است و به معنای پلی بر فاصله بین امنیت ملی و ایمنی انسانی است.

^۴. Security

^۵. Barry Buzan

^۶. O'Neill

^۷. Copenhagen

امنیت اجتماعی اصطلاح جمعی برای تلاش‌ها برای کنار آمدن با تهدیدات مدرن در جامعه است (هاف^۸، ۲۰۰۴).

امنیت اجتماعی^۹ در حد واسط امنیت فردی و امنیت ملی قرار می‌گیرد. در پیامد انقلاب در ارتباطات، پیدایش نهادهای قدرتمند غیردولتی، باز شدن پنجره‌های تبادل فرهنگی و اعتقادی و بالا رفتن سطح آگاهی‌های عامه، طرح و مورد توجه قرار گرفت. در واقع، امنیت اجتماعی چشم‌انداز نوینی در مورد امنیت بود که در آن مؤلفه‌های اجتماعی در تکوین و استقرار امنیت نقش برجسته‌ای دارند (نویدنی‌ا، ۱۳۸۳: ۳).

از طرفی، گسترش و پیشرفت امروزی ارتباطات، تولیدات، بازارها، دارایی‌ها و آگاهی‌ها در عرصه جهانی به گسترش دستور کارهای امنیتی در حوزه‌های فراتر از موضوعات صرف نظامی کمک کرده است. به عبارت، دیگر ظهور فراقلمروگرایی می‌تواند با توانمندی‌های نظامی ویرانگرتر، تخریب فزاینده محیط زیست، فقر پایدار، بی‌ثباتی مالی بیشتر، استخدام و وضعیت شغلی متزلزل‌تر، انحطاط فرهنگی، عدم انسجام اجتماعی بیشتر و نگرانی افزون‌تر نسبت به وضعیت دانش همراه گردد. (سردارآبادی، ۱۳۸۲: ۸۹۷-۸۹۶)

شاید تا چند دههٔ اخیر، متفکران اجتماعی بین امنیت و احساس آن چندان تفاوتی قائل نبودند، ولی به واسطهٔ تغییر و تحولاتی که پس از جنگ جهانی دوم بر جوامع حاکم گردید، مشخص شد که بُعد ذهنی امنیت (احساس امنیت) اهمیت غیرقابل‌انکاری پیدا کرده است؛ زیرا این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است و فقط به شاخص‌های امنیت قابل تقلیل نیست (بیات، ۱۳۸۸: ۳۲). تهدیدات موجود در جامعه به اشکال بسیار متنوعی رخ

^۸. Hough

^۹. Societal Security

می‌دهد، ولی اصولاً سه نوع هستند: تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار یا منابع)، تهدیدات نسبت به حقوق (زندانی شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی مدنی) همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (تنزل رتبه، تحقیر در انظار عامه) (امیرکافی، ۱۳۸۲: ۳).

تفسیر درست یا نادرست افراد و تجارب آنان از شرایط اجتماعی همواره احساس امنیت را در طیفی از احساس امنیت درست و واقعی یا کاذب و غیرواقعی قرار می‌دهد. گاهی اوقات ساختارهای اجتماعی و انتظامی جامعه و شاخص‌های لازم، امنیت بالایی را در جامعه نشان می‌دهد، اما برداشت افراد از فضای اجتماعی یا اطلاعات آنان در مورد دیگران آنان را در مخمصه روانی احساس ناامنی قرار می‌دهد. (محمدی و تاجران، ۱۳۸۷).

فقدان یا اختلال در امنیت، پیامد و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی برای افراد و دولت‌ها به دنبال دارد. در همین رابطه دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، سالانه بودجه‌های هنگفتی را هزینه می‌کنند. از اینرو تأمین امنیت ملی یکی از عمده‌ترین نگرانی‌ها و یکی از پایه‌های اساسی سیاست‌های دولت‌ها محسوب می‌شود.

تحقیقات و نظرسنجی‌هایی که همه ساله از سوی دولت در سطح کشوری به اجرا درمی‌آید، نمونه‌ای از آن است. نتیجه نظرخواهی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) مبین آن است که ۸۱ درصد از ایرانیان به‌گونه‌ای احساس ناامنی می‌کنند (کلاهچیان، ۱۳۸۴: ۱۵۴ و نبوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۰). ناامنی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در اکثر مردم نوعی روحیه دوگانه ایجاد کرده است. (سریع‌القلم، ۱۳۷۷: ۳۴).

بی‌تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آن‌ها برقراری احساس امنیت را کند کرده یا مانع از تحقق آن شده است. به این

ترتیب، باید راهکارهایی یافت که براساس آن بتوان امنیت اعضای جامعه را حفظ کرد؛ چرا که اولین گام برای دستیابی به عرصه عمومی که ضامن تحقق جامعه مدنی است تشویق مردم به حضور در فضای عمومی و یا فراهم نمودن دسترسی برابر همه افراد و گروه‌ها به آن است. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم، ترس از بزهکار دیده شدن و یا مورد تعرض رفتارهای غیرمدنی و خشونت قرار گرفتن است (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۲).

امنیت اجتماعی به قلمروهایی از حریم افراد مربوط می‌شود که با دیگر افراد جامعه سازمان‌ها و دولت در ارتباط است. بیشتر افراد جامعه به‌طور مستمر و در طول زندگی روزمره با این قلمروها روبه‌رو می‌شوند و زندگی آن‌ها مستلزم ارتباط در این قلمروهاست به‌طور خلاصه می‌توان گفت که امنیت افزون بر این‌که ضرورتی انسانی است عنصری مهم در پیشرفت و توسعه جامعه به‌شمار می‌رود. بسترهای مختلف توسعه اقتصادی، فرهنگی و... مستلزم وجود امنیت اجتماعی، داخلی و ملی است (زرینی و پوریوسفی، ۱۳۸۷: ۵۷). امنیت به روند توسعه و رشد همه اقشار مردم کمک می‌کند و سرانجام به توسعه همه جانبه جامعه می‌انجامد. آسودگی خاطری که در سایه امنیت بروز می‌یابد موجب رشد است زیرا که فرد به جای اندیشه مبارزه و یا دغدغه حفظ جان و مال و آبروی خویش، توان خود را در مسیر تخصص، خلاقیت و خدمت به کار می‌گیرد و با اطمینان زندگی می‌کند و به آینده‌ای بهتر می‌اندیشد و مسیر تعالی و پیشرفت را بدون هراس از دام‌های پیدا و ناپیدا شتابان طی می‌کند (گرامی‌زادگان، ۱۳۷۷: ۴). از نظر ویور^{۱۰}، یکی از نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ در شرایط اجتماعی و سیاسی کنونی جهان، امنیت اجتماعی مرجع امنیت ملی به حساب می‌آید. ویور، در رویکرد خود نقش مستقلی برای امنیت

¹⁰ . Ole Weaver

اجتماعی در کنار مقوله امنیت ملی قائل شده و جامعه را به عنوان مرجع امنیت معرفی می‌کند. وی معتقد است امنیت اجتماعی نباید در کنار مواردی نظیر امنیت نظامی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی که نسبت به امنیت ملی فرع محسوب می‌شوند، قرار گیرد و جایگاه و اهمیت آن در حد امنیت ملی است (نصری، ۱۳۸۲).

نامانی مکان‌ها و فضاهای عمومی نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید. امروزه، با توجه به گستردگی شهرنشینی و رواج نامانی‌های اجتماعی در شهرها، مطالعه موضوع امنیت، عوامل مؤثر بر آن و راهکارهای تقویت امنیت در شهرها ضرورت یافته است و این موضوع در شهر همدان از حساسیت بیشتری برخوردار است.

برخی از جامعه‌شناسان بر این باورند که میزان ناامنی با درجه گسترش شهر رابطه مستقیم دارد؛ یعنی به موازات افزایش جمعیت، میزان جرایم نیز بالا می‌رود و افزایش جرایم در شهر امنیت فردی و اجتماعی را کاهش می‌دهد. به عقیده این جامعه‌شناسان شهرها به دلیل گستردگی، فزونی جمعیت، حاشیه‌نشینی، فراوانی جمعیت بیکار، انبوهی مهاجران، بیگانگی اجتماعی و برخی دلایل دیگر که در روستا و یا شهرهای کوچک وجود ندارد، شرایط مناسبی را برای کسانی که قصد ناامن کردن جامعه را دارند، به وجود می‌آورند (برآبادی : ۶۴-۶۳). بنابراین، افراد در ابعاد گوناگون امنیت آسیب‌پذیر می‌گردند. زنان در مقایسه با مردان و کودکان در مقایسه با بزرگسالان بیشتر در معرض آسیب قرار دارند. امنیت افراد کم‌درآمد، کم‌سواد و بیسواد، بیکاران، حاشیه‌نشینان و اقلیت‌های قومی و دینی نیز بیشتر از دیگران به خطر می‌افتد (همان : ۶۳).

امنیت قضایی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یا به عبارت دیگر حاکمیت نظم و قانون موجب امید به آینده و در نتیجه موجب رشد، فعالیت، تلاش و خلاقیت انسان می‌گردد. این ویژگی از شرایط و لوازم ضروری هرگونه رشد و توسعه اقتصادی است (رضاعلی، ۱۳۸۷: ۱۷).

همدان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران و حتی جهان محسوب می‌شود، اما در رتبه‌بندی استان‌های کشور از نظر توسعه‌یافتگی، براساس مقایسه سال‌های ۸۳-۷۹، استان همدان در رده ۲۱ قرار دارد. در رده‌بندی برخورداری از سلامت، استان همدان در رتبه ۱۰ قرار گرفته است. از حیث شاخص‌های زیربنایی و اجتماعی، استان همدان در رتبه ۱۷ قرار دارد، اما از حیث شاخص‌های توسعه، استان همدان در رتبه ۱۲ قرار گرفته است (حسینی و اسکندری، ۱۳۷۹: ۱۱۸). همچنین رتبه سرمایه اجتماعی در همدان ۱۶ و سطح توسعه نیز ۱۶ است (عبدالهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۱۸). از نظر رتبه توسعه اقتصادی - اجتماعی، استان همدان جز استان‌های نسبتاً توسعه‌یافته است (فطرس و بهشتی‌فر، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

آمارهای مذکور نشان می‌دهد که همدان به لحاظ رتبه‌بندی در شاخص‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی با وجود ظرفیت‌های موجود نتوانسته رتبه‌های مطلوبی را کسب کند. موج اول پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۸۱) نشان می‌دهد که احساس امنیت و آزادی در همدان ۲۷/۵ درصد است. پژوهش حاضر با نگاهی جامعه‌شناختی سعی در جستجوی علل و مکانیزم‌هایی دارد که میزان احساس امنیت اجتماعی را در شهر همدان تبیین کرده و به شرح و تفسیر نتایج آن پردازد.

چارچوب نظری

متفکران و اندیشمندان مختلف در طول تاریخ فلسفه، فلسفه سیاسی و سپس جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی در جوامع انسانی بر اساس رهیافت‌ها و رویکردهای مختلفی به بررسی مقوله امنیت، خاستگاه و روش‌های دستیابی و حفظ آن پرداخته‌اند. همچنین، امنیت از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای انسان است که در بسیاری از نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و مدیریت از جمله فروم^{۱۱} (۱۹۴۱)، آلپرت^{۱۲} (۱۹۶۱)، هورنای^{۱۳} (۱۹۳۷)، مازلو^{۱۴} (۱۹۴۲)، لینگ^{۱۵} (۱۹۸۴)، مورز^{۱۶} (۱۹۸۰)، لوه^{۱۷} (۱۹۷۸)، لوچیانی^{۱۸} (۱۹۸۹)، و لفرز (۱۹۶۲)، بوزان (۱۹۹۱) و ماندل (۱۹۹۴) و ... به‌عنوان مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای انسان اشاره شده است (دلاور و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۰-۴۹).

به‌طور کلی، تا دهه ۱۹۸۰ میلادی، دو نحوه برداشت بر همه تفکرات مربوط به مسأله امنیت ملی حاکم بوده است. رویکردهای رئالیستی و ایدئالیستی، در اثر نقد این رویکردهای کلاسیک رویکردها و نظریه‌های مدرن در حوزه امنیت پژوهی ظهور کردند. اندیشه انتقادی در حوزه مطالعات امنیت از حدود سال ۱۹۸۰ و دوره پایان جنگ سرد مطرح شد. پس از پایان جنگ سرد، باری بوزان به همراه ال ویور و... در مکتب کپنهاک در پی گسترش مفاهیم امنیت، تحلیل‌های ظریفی ارائه داده و ایده امنیت اجتماعی را مطرح کردند. موضوعی که نخستین بار در آنجا مطرح شد این بود که نخست امنیت یا ناامنی فقط به عوامل نظامی بستگی ندارد، بلکه امروزه

¹¹ Fromm

¹² .Ilport

¹³ .Horney

¹⁴ .Masslow

¹⁵ . Laing

¹⁶ . Morz

¹⁷ . Louw

¹⁸ .Luciani

مسائل اجتماعی فراتر از عوامل نظامی نقش ایفا می‌کنند. دوم این که متصدی امنیت فقط دولت‌ها نیستند، بلکه نیروهای اجتماعی نقش برجسته‌ای دارند. به علاوه، صاحب‌نظران مکتب کپنهاک امنیت را در دو بُعد عینی و ذهنی مطرح می‌کنند و اظهار می‌دارند تهدیدهای امنیتی در دامنه‌ای وجود دارند که به‌طور ذهنی (احساس امنیت) نیز قابل تجربه‌اند (نبوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۲).

باری بوزان از جمله صاحب‌نظران مکتب کپنهاک، معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی به‌عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد و به حفظ مجموع ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به‌عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به بیان دیگر، معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشند. بوزان مفهوم ارگانیک‌کی امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می‌نماید (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۶۵-۶۴).

در این تحقیق، از نظریه آنتونی گیدنز^{۱۹} به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شده است. آنتونی گیدنز در تحلیل‌های جامعه‌شناختی خود به این نتیجه می‌رسد که امروزه مدرنیته خطر را در بعضی از حوزه‌ها و شیوه‌های زندگی کاهش داده و در عین حال برخی پارامترهای جدید و خطرآفرین را که بیشتر ناشناخته بود را به همان حوزه‌ها وارد می‌کند. گیدنز صور عمده سیمای مخاطره‌آمیز مدرنیته را به دو دسته تقسیم می‌کند؛ یکی آن‌هایی توزیع عینی مخاطرات را تغییر می‌دهند که از آن جمله می‌توان به جهانی شدن مخاطره، شمار فزاینده رخدادهای احتمالی و نفوذ دانش انسانی در محیط مادی را نام برد. دیگری آن‌هایی که (مانند آگاهی از مخاطره

¹⁹ . Antony Giddense

به‌عنوان صرف مخاطره، آگاهی خوب توزیع‌شده درباره مخاطره و نظایر آن تجربه مخاطره یا ادراک مخاطرات را تغییر می‌دهند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۴۸).

در تحلیل گیدنز در رابطه با مخاطره^{۲۰} و رهایی از مخاطره و امنیت، امنیت وجودی^{۲۱} یکی از صور مهم احساس امنیت تلقی شده است. «این اصطلاح به اطمینانی راجع است که بیشتر اشخاص به تداوم هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. از این نظر این امنیت پدیده‌ای عاطفی است» (گیدنز، ۱۳۷۷). گیدنز در بخشی از مباحث خود در مورد امنیت و احساس امنیت با توجه به آرای اریکسون به عوامل روانشناختی اشاره می‌کند، این احساس امنیت که ریشه در رابطه نوزاد با والدین دارد، بیشتر امری عاطفی است تا شناختی و زمینه آن ناخودآگاه است (تاکر، ۱۹۹۸: ۸۳).

نیروی عمده در ورای بسیاری از کنش‌ها، مجموعه فرایندهای ناخودآگاه جهت دستیابی به حس اعتماد در تعامل با دیگران است. گیدنز این مجموعه فرایندها را تحت عنوان نظام امنیت وجودی صورت‌بندی می‌کند؛ به این معنا که یکی از نیروهای برانگیزاننده اما به شدت مغشوش در ورای کنش تمایل به حفظ امنیت وجودی یا حس اعتمادی است که از توانایی در کاهش اضطراب در روابط اجتماعی برمی‌خیزد. کنشگران نیاز دارند که این حس اعتماد را داشته باشند (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۸۴).

اما در این مقاله با اتکا به نظریه ساختاریابی^{۲۲} گیدنز به تحلیل عوامل مؤثر بر احساس امنیت پرداخته شده است. از نظر یان کرایب به زحمت می‌توان نظریه‌ای اجتماعی یافت که چیزی در کار گیدنز برای مایه گرفتن پیدا نکند. در هر صورت،

²⁰ . Risk

²¹ . Existential Security

²² . Structuration Theory

در حال حاضر نظریه ساختاری شدن خوراک اصلی جامعه‌شناسی را فراهم می‌سازد (ریتزر، ۱۳۷۷، ۷۰۹). در نظریه ساختاریابی، حیطة اصلی مطالعه علم اجتماعی اعمال اجتماعی است که در طول زمان و مکان نظم یافته‌اند. ساختارها مجموعه‌ای از الگوهای بادوامی از کنش هستند که همه اوقات با قواعد^{۲۳} و منابع^{۲۴} راهنمایی می‌شوند. بر اساس مفهوم دوسویگی ساخت کنشگران در تولید کنش متقابل به قواعد و منابع متوسل می‌شوند، اما به این ترتیب همان قواعد و منابع از رهگذر همین کنش متقابل مجدد پی‌ریزی و بنا می‌شود (همان: ۴۸۰). قواعد و منابع میانجی هستند؛ به این معنا که آن‌ها روابط اجتماعی را به هم وصل می‌کنند. آن‌ها چیزی هستند که کنشگران استفاده می‌کنند تا در طول زمان و مکان روابط را خلق کنند، تقویت کنند و تغییر دهند.

گیدنز استدلال می‌کند که افراد از قواعدی پیروی می‌کنند که در ساختار اجتماعی جای دارند و معرفت جمعی در مورد قواعد اجتماعی، شرط تعامل اجتماعی است. به اعتقاد او افراد هم تابع قاعده‌اند و هم خالق آن (تاكر، ۱۹۹۸: ۸۱). قواعد فرایندهای تعمیم یافته‌ای هستند که کنشگران آن‌ها را در شرایط مختلف درک می‌کنند و به کار می‌برند. گیدنز ادعا می‌کند که یک قاعده روش یا تکنیکی است که کنشگران اغلب به‌طور ضمنی می‌شناسند که قاعده‌ای مناسب برای کنش ارائه می‌دهند. از دیدگاه جامعه‌شناسانه، مهم‌ترین قواعد آن‌هایی هستند که عاملان در بازتولید روابط اجتماعی در طول زمان و مکان به کار می‌برند (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۷۸). به عبارتی قواعد متعارف هستند، اما آن‌ها قراردادی هستند. قواعد ویژگی‌های خاصی را آشکار می‌کنند:

²³ . Rules

²⁴ . Resource

۱. آن‌ها در مکالمات، تشریفات، کنش متقابل، جریان عادی زندگی روزانه افراد مکرر استفاده می‌شوند.

۲. آن‌ها به‌طور ضمنی دریافت و درک می‌شوند و بخشی از آگاهی ذخیره کنشگران هستند.

۳. آن‌ها اطلاعاتی هستند که ناگفته و نانوشته باقی می‌مانند.

۴. آن‌ها از طریق تکنیک‌های بین فردی به‌طور ضعیفی تأیید می‌شوند (همان).

قواعد می‌توانند روش‌ها و فرمول‌های ترکیبی متنوعی برای هدایت مردم در مورد ارتباط، کنش متقابل و سازگار شدن با دیگران ارائه دهند. قواعد به ۲ نوع اساسی فرایندهای میانجی تقسیم شده‌اند:

- هنجاری، یا ایجاد حقوق و وظایف در یک زمینه (مکان)
- تفسیری، یا ایجاد طرح‌ها و ذخایر آگاهی در یک زمینه (مکان) (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۷۹).

برخی قواعد به ابزار مشروعیت تبدیل می‌شوند (مانند قوانین راهنمایی و رانندگی)؛ زیرا باعث می‌شوند چیزها درست و مناسب به نظر بیایند. قواعد دیگر، برای ایجاد معناداری، یا نظام‌های نمادین معنادار استفاده می‌شوند (مانند آموزه‌های دینی)؛ زیرا آن‌ها به مردم راه‌های دیدن و تفسیر وقایع را ارائه می‌دهد.

دومین جزء ساختار در نظریه ساختاربندی، منابع هستند که می‌تواند هم منابع مادی مانند پول یا کالاها را شامل شود، هم منابع اقتداری از قبیل سرمایه فرهنگی، قدرت سیاسی و... (گیدنز، ۱۹۸۴) و منابع به قواعد اجتماعی مرتبط هستند؛ یعنی به منظور استفاده از سکه‌ها یا یادداشت‌های بانکی شما نیاز دارید که بدانید نخست آن‌ها به شما تعلق دارند، چگونه این‌ها مورد استفاده هستند و چگونه در یک

موقعیت ویژه آماده تبدیل شدن به سایر کالاها می‌شوند؟ منابع به عاملان در جهت ظرفیت قابل انتقال عاملان برای عمل کردن در دنیا قدرت می‌بخشد.

ایده‌آسی این است که منابع ابزار سلطه هستند؛ چون آن‌ها ما را به تسهیلات مادی و سازمانی برای انجام امور مجهز می‌کند. منابع را می‌توانیم به روش‌های مختلفی تجهیز کنیم تا فعالیت‌های مختلفی را انجام داده و از طریق وجود اشکال و درجات مختلف قدرت به اهدافمان دست یابیم. منابع به ۲ نوع اساسی تسهیلاتی که میانجی روابط اجتماعی‌اند تقسیم شده‌اند:

اقتداری، یا ظرفیت سازمانی برای کنترل و هدایت الگوهای کنش متقابل در یک زمینه؛

تخصیصی، یا کاربرد ویژگی‌ها، ابزار و کالاهای مادی برای کنترل و هدایت الگوهای کنش متقابل در یک زمینه (ترنر، ۲۰۰۳: ۴۷۹).

با استفاده از نظریه ساختاریابی گیدنز امکان برقراری پیوند میان سطوح خرد و کلان به وجود آمده است؛ لذا می‌توان در تحلیل احساس امنیت به سهم عوامل اجتماعی مؤثر نیز اشاره کرد. همان‌طور که ذکر شد، گیدنز در نظریه‌ی ساختاریابی معتقد است که کنش انسان‌ها تحت تأثیر دو عامل قواعد و منابع است و قواعد و منابع بر کنش‌های انسانی تأثیرگذارند، لذا کنشگران برای تسهیل در ارتباطات اجتماعی به قواعد و منابع متوسل می‌شوند.

افراد در ورای کنش‌هایشان باید احساس امنیت وجودی داشته باشند. برای این‌که این احساس از سوی جامعه نیز به آن‌ها تزریق شود، به قواعد و منابع متوسل می‌شوند. با اتکا به نظریه‌ی ساختاریابی متغیرهایی نظیر جنسیت، قومیت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، وضعیت تأهل و استفاده از رسانه‌های جمعی، به‌عنوان منابع (از

نوع تخصیصی) و متغیرهای اعتماد اجتماعی (به‌عنوان قواعد هنجاری) و دینداری و نگرش به عملکرد پلیس (به‌عنوان قواعد تفسیری) در نظر گرفته شده‌اند.

در ادامه، فرضیات مستخرج از چارچوب نظری تحقیق آورده می‌شود:

۱. بین میزان احساس امنیت اجتماعی زنان و مردان تفاوت وجود دارد.
۲. بین میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان شاغل و غیرشاغل تفاوت وجود دارد.
۳. بین میزان احساس امنیت اجتماعی شهروندان مجرد و متأهل تفاوت وجود دارد.
۴. بین میزان احساس امنیت اجتماعی اقوام مختلف تفاوت وجود دارد.
۵. بین پایگاه اقتصادی اجتماعی شهروندان و احساس امنیت اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
۶. بین نگرش شهروندان به عملکرد پلیس و احساس امنیت اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
۷. بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی شهروندان و احساس امنیت اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.

پیشینه تحقیق

کامران و شعاع برآبادی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی امنیت شهری در شهرهای مرزی، مطالعه موردی شهر تایباد» نشان داده‌اند که عواملی نظیر سرمایه اجتماعی، عملکرد رسانه‌ها، نقش نیروی انتظامی، پایگاه اجتماعی افراد و فضای فیزیکی شهر رابطه معناداری با احساس امنیت داشته‌اند.

باباخانی (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت در سطوح خرد و کلان» که بین شهروندان ساکن در ۲۴ محله تهران انجام شد، نشان داده است که دو عامل احساس انومی و سرمایه اجتماعی تأثیرگذارترین عوامل بر

احساس امنیت مالی در سطح خرد و در سطح کلان توسعه اقتصادی و عام‌گرایی هستند.

نبوی و دیگران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی» نشان دادند که از مجموعه عوامل مورد بررسی مؤثر بر احساس امنیت دو متغیر احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی اثر کاهنده‌ای دارند و متغیرهای هویت قومی و جنسیت نیز به ترتیب احساس امنیت جانی و احساس امنیت مالی افراد را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

ربانی خوراسگانی و قاسمی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «رابطه احساس امنیت اجتماعی و نگرش مذهبی» نشان دادند که احساس امنیت به ترتیب در ابعاد روانی، اقتصادی، سیاسی و قضایی کم‌تر است و بُعد نگرش به روحانیت از ابعاد نگرش مذهبی تأثیر بیشتری بر احساس امنیت داشته است و نظریه گیدنز را مبتنی بر نقش حمایتی باورداشت‌ها و کارگزاران دینی در برابر رویدادها و موقعیت‌های مختلف و ایجاد و تقویت احساس امنیت مورد تأیید قرار گرفته است.

امیرکافی (۱۳۸۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن، مطالعه موردی شهر تهران» نشان داده است که احساس امنیت با متغیرهای همچون بی‌نظمی اجتماعی، درک از بروز جرایم و بزهکاری، ریسک و مخاطره (ریسک اعتماد کردن) و حمایت اجتماعی (امداد و یاری) همبستگی معناداری دارد.

زنجانی‌زاده (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان «عوامل مؤثر بر امنیت زنان» به این نتیجه رسیده است که طبقه اجتماعی، اشتغال و رتبه شغلی زنان بر احساس امنیت آنان مؤثر بوده است.

رد بورگ و لئون در تحقیقی که در شهر نانت انجام داده‌اند به بررسی امنیت از بُعد سیاسی پرداخته‌اند و چنین بیان کرده‌اند که پاسنگویان از عدم برخورد عادلانه قانون اظهار نارضایتی کرده‌اند (گی‌روشه، ۱۳۸۲: ۵۲ و ۹۹).

به نقل از سیبل و جین^{۲۵} در تحقیقی که توسط بنداسمیت و راموردانگ (۲۰۰۲) صورت گرفته است، ۸۷ درصد روستاییان و ۸۹ درصد ساکنین شهر بیان می‌دارند که مهم‌ترین اولویت مکان زندگیشان «امنیت در برابر جنایت» است.

به نقل از حق‌طلب (۱۳۷۲)، پاتری کاس با انجام پژوهش‌هایی نشان داده است که احساس ناامنی با افسردگی اختلال روانی اسکیزوفرنیا، تمایل گفتن احساسات بد در مورد خود، تمایل به غیرعادی بودن و روان‌رنجوری رابطه دارد، همچنین احساس ناامنی در مردها بیشتر از زنان مشاهده شده است.

اولسن^{۲۶} (۲۰۰۷) در دانشگاه نروژ در مقاله‌ای تحت عنوان «ایمنی اجتماعی، مفاهیم مرزها و معضلات آن» امنیت اجتماعی را در رابطه با ایمنی‌های مرتبط با زمینه‌هایی از قبیل امنیت ملی، سازگاری با توسعه محیط‌زیست، امنیت انسانی و مدیریت حادثه (تصادفات، بیماری‌های معمول و اعمال جنایی) مرتبط دانسته است.

روی^{۲۷} (۲۰۰۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «امنیت، مهاجرت و اقتصاد بعد از ۱۱ سپتامبر در آمریکا» به بررسی این مسأله پرداخته است. که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر روش‌های نگرش آمریکا به امنیت تغییر کرد و علی‌رغم ادامه یافتن مهاجرت‌ها و اختصاص دادن سهم مهمی از اقتصاد آمریکا به خود، تعادلی بین نیازهای امنیتی و نیازهای اقتصادی برقرار شد.

²⁵ . Siebel&Jan

²⁶ . Olsen

²⁷ . Roy

گانت و بنیامین^{۲۸} (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «ناامنی شغلی، استرس و جنسیت» به بررسی روابط پیچیده بین آن‌ها پرداخته شده است و به بررسی این فرضیه پرداخته شده است که ایدئولوژی جنسیتی کارکنان اثر جنسی بر ناامنی و استرس شغلی را تعدیل می‌کند و نشان داده شده است که ناامنی شغلی در زنان بیشتر از مردان است و در مردان سنتی احساس ناامنی بیشتر از زنان سنتی است، اما در زنان و مردان برتری طلب درجه مشابهی از احساس ناامنی شغلی دیده شده است.

در جمع‌بندی نتایج حاصل از مرور منابع تجربی باید گفت در آن‌ها احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن شاخص‌ها و معرف‌های متفاوتی مورد سنجش قرار گرفته، به طوری که مقایسه نتایج حاصل از آن‌ها به دلیل نبود ابزار واحد، مشکل است. می‌توان نتیجه گرفت که مطالعات انجام شده در زمینه موضوع مورد بررسی اغلب میدانی هستند و با روش‌های کمی مثل پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری شده‌اند. معیار و شاخص مشترکی برای سنجش ابعاد احساس امنیت وجود ندارد و هر محقق با تأکید بر یک یا چند جنبه به بررسی موضوع پرداخته است و این مسأله مقایسه نتایج را با یکدیگر مشکل ساخته است. براین اساس، در تحقیق حاضر سعی می‌شود، با مطالعات صورت گرفته، ابعاد احساس امنیت به گونه‌ای سنجیده شود که بافت اجتماعی سازگاری بیشتری داشته باشد. ضمن این‌که از مجموعه مطالعات صورت گرفته نیز محقق ایده می‌گیرد.

روش تحقیق

روش به‌کار گرفته شده در این پژوهش، روش توصیفی - پیمایشی^{۲۹} است که مبتنی بر یک نمونه نمایا و یک ابزار سنجش معتبر می‌باشد. جامعه آماری شامل ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر همدان است و با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، حجم

²⁸. Gaunt & Benjamin

²⁹. Survey

نمونه تعیین شد. در این تحقیق با کمک نرم‌افزار SPSS با سطح اطمینان ۹۵ درصد، احتمال خطای ۵ درصد و با این فرض که ۵۰ درصد از جمعیت پاسخ یکسانی بدهند، حجم نمونه برای این شهر ۳۸۴ نفر به دست آمد که برای جلوگیری از داده‌های مفقوده و بی‌پاسخ نمونه به ۳۹۰ نفر ارتقا داده شد. اما پس از جمع‌آوری داده‌ها بسیاری از داده‌ها ریزش پیدا کردند. روش نمونه‌گیری به روش تصادفی از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفته است.

پرسشنامه به‌عنوان ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. اعتبار ابزار تحقیق از نوع سازه بوده است. برای سنجش پایایی تحقیق، از تکنیک هم‌هنگی درونی گویه‌ها استفاده شد. میزان آلفای کرونباخ برای متغیرهایی که به‌صورت سازه تهیه شده بودند محاسبه گردید. میزان آلفا برای متغیر احساس امنیت (۰/۸)، برای متغیر اعتماد (۰/۸۱)، برای متغیر ارزیابی از عملکرد پلیس (۰/۸۷) و برای دینداری (۰/۷۶) شده است. با توجه به این که مقدار آلفای هر سه متغیر مذکور بالاتر از ۰/۷ بوده بنابراین می‌توان گفت که هم‌هنگی درونی گویه‌های این متغیرها در حد مطلوبی بوده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS، استفاده شده است. برای آزمون فرضیات از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی تست استفاده شد و در نهایت با استفاده از رگرسیون چندمتغیره مهم‌ترین متغیرهای مستقل تحقیق حاضر شناخته شد.

یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی از ۳۷۰ پاسخگو نشان می‌دهد که میانگین سنی جمعیت نمونه ۳۰/۸۰ سال، حداکثر سن ۷۰ و حداقل ۱۸ سال است. ۴۸/۱ درصد کل جمعیت نمونه را مردان و ۵۱/۹ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. توزیع فراوانی جمعیت نمونه بر حسب

قومیت نشان داد که ۶۶/۸ درصد ساکنان فارس و ۲۵/۹ درصد ترک و ۷/۳ درصد نیز سایر اقوام (۱/۱ درصد لر و ۶/۲ درصد کرد) هستند. ۴۵/۱ درصد ساکنان مجرد، ۵۴/۹ درصد متأهل و بقیه مطلقه و فوت همسر گزارش شده‌اند. ۵۷/۳ درصد پاسخگویان غیرشاغل و ۴۲/۵ درصد شاغل هستند. همچنین، توزیع متغیر وابسته (احساس امنیت اجتماعی) به شرح زیر می‌باشد:

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی افراد بر حسب میزان احساس امنیت اجتماعی

احساس امنیت اجتماعی	تعداد	درصد
بالا	۵۸	۳/۵
متوسط رو به بالا	۱۷۶	۳۳/۲
متوسط رو به پایین	۱۲۳	۴۷/۶
پایین	۱۳	۱۵/۷
کل	۳۷۰	۱۰۰

با توجه به نتایج جدول شماره ۱ می‌توان گفت احساس امنیت اجتماعی از وضعیت مطلوبی را برخوردار نمی‌باشد؛ چرا که بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه دارای احساس امنیت در سطح متوسط رو به پایین و پایین هستند. به علاوه ۳/۵ درصد احساس امنیت در حد بالا داشته‌اند.

جدول شماره ۲: ابعاد احساس امنیت اجتماعی

همدان		متغیر
وارانس	میانگین	

۱۰۲/۵۹	۴۱/۳۲	احساس امنیت اجتماعی
۲۳/۹۰	۱۲/۸۸	احساس امنیت سیاسی
۱۳/۷۵	۱۳/۱۶	احساس امنیت در شهر(شهری)
۱۳/۵۹	۹/۸۳	احساس امنیت اقتصادی
۶/۴۱	۵/۴۸	احساس امنیت جانی

جدول شماره ۲ نیز ابعاد احساس امنیت اجتماعی را در شهر همدان نشان می‌دهد. حال، با توجه به فرضیه‌های مورد توجه در این تحقیق عوامل مؤثر بر آن با آزمون فرضیات مورد استنباط قرار می‌گیرد. با استفاده از آماره t-test چهار فرضیه تحقیق مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که تنها متغیر جنسیت و احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان رابطه معناداری داشته‌اند، اما وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و قومیت تأثیری بر احساس امنیت نداشته‌اند. در ادامه، جدول مربوط به این آزمون آورده می‌شود.

جدول شماره ۳- خروجی آزمون t برای مقایسه احساس امنیت اجتماعی

متغیر	مقوله‌ها	میانگین نمره احساس امنیت	درجه‌ی آزادی	T	سطح معناداری
جنس	مرد	۴۳/۱۷	۳۷۸	۳/۴۲۱	۰/۰۰۱
	زن	۳۹/۶۱			

تأهل	مجرد	۴۰/۵۳	۳۷۸	۱/۴۰۲	۰/۱۶۲
	متأهل	۴۱/۹۸		-	
قومیت	فارس	۴۱/۰۱	۳۷۸	۰/۰۸۴	۰/۴۰۲
	غیرفارس	۴۱/۹۵		-	
اشتغال	شاغل	۴۱/۷۳	۳۵۴	۰/۶۲۴	۰/۵۳۳
	غیرشاغل	۴۱/۰۷		-	

داده‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، با توجه به آزمون تفاوت میانگین‌ها و سطح معناداری، متغیر جنسیت رابطه قوی‌تری را نسبت به بقیه متغیرها داشته است. طبق یافته‌های سایر پژوهش‌های مرتبط و با اتکا به نظریه‌های ترس از جرم، جنسیت عامل مؤثر بر احساس امنیت افراد گزارش شده است و تحقیق حاضر نیز این مسأله را تأیید می‌کند. بر این اساس مردان احساس امنیت بیشتری نسبت به زنان داشته‌اند. اما متغیر تأهل رابطه معناداری با احساس امنیت برقرار نکرده است. بنابراین بین احساس امنیت افراد مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد.

بین اشتغال و احساس امنیت شهروندان هیچ‌گونه رابطه معناداری مشاهده نشده است؛ به این معنی که تفاوتی از لحاظ احساس امنیت بین افراد شاغل و غیرشاغل وجود نداشته است. لذا داشتن شغل نتوانسته است که احساس امنیت را بالا ببرد. بین قومیت و احساس امنیت نیز رابطه معناداری وجود نداشته است. به عبارت دیگر، احساس امنیت قوم فارس و اقوام غیرفارس تفاوت معناداری نداشته است.

از دیگر متغیرهایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، نگرش به عملکرد پلیس، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی می‌باشد

که با استفاده از آزمون پیرسون به بررسی معناداری رابطه آن‌ها با احساس امنیت اجتماعی پرداخته شده است.

جدول شماره ۴ گویای این رابطه‌ها به همراه سطح معناداری آن‌هاست.

جدول شماره ۴: ضریب همبستگی بین برخی متغیرهای مستقل و احساس امنیت اجتماعی

متغیر	مقدار ضریب پیرسون	سطح معنی داری
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	-۰/۲۴۹	۰/۰۰۰
نگرش به عملکرد پلیس	۰/۴۴۳	۰/۰۰۰
میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی	-۰/۰۴۷	۰/۳۷۱

داده‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که همه‌ی متغیرها به جز متغیر رسانه‌های جمعی رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی برقرار کرده‌اند.

بین نگرش نسبت به عملکرد نیروی انتظامی و احساس امنیت نیز رابطه مستقیم و نسبتاً قوی وجود دارد و این رابطه در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار می‌باشد. لذا فرضیه مبتنی بر وجود رابطه بین نگرش نسبت به عملکرد نیروی انتظامی و احساس امنیت تأیید می‌گردد و تفسیر رابطه مستقیم بین دو متغیر مذکور آن است که هرچه نگرش نسبت به عملکرد نیروی انتظامی مثبت‌تر باشد، افراد احساس امنیت بیشتری می‌نمایند و بر عکس.

متغیر دیگری که رابطه معناداری با احساس امنیت داشته، پایگاه اقتصادی - اجتماعی است. اما نکته قابل توجه آن است که با بالا رفتن سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی، افراد احساس امنیت کم‌تری داشته‌اند و بر عکس. در واقع، این فرضیه به این صورت که بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد، تأیید می‌گردد.

در ادامه، جهت بررسی و شناخت مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در احساس امنیت شهروندان در شهر همدان، از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده می‌شود. در این مرحله، ۷ متغیر وارد معادله رگرسیون شدند که از بین آن‌ها ۲ متغیر شامل نگرش به عملکرد پلیس و پایگاه اقتصادی- اجتماعی در معادله رگرسیونی به‌عنوان مهم‌ترین متغیرها باقی ماندند.

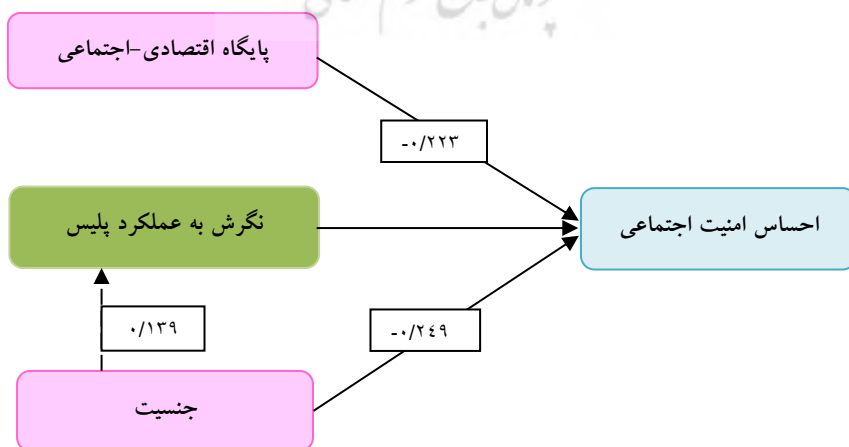
جدول شماره ۵- متغیرهای وارد شده جهت توضیح واریانس احساس امنیت اجتماعی در مرحله پنجم

مرحله	متغیر	B	Beta	t	sig	R	R ^۲
۱	نگرش به عملکرد پلیس	۰/۳۹۸	۰/۲۸۰	۵/۵۷۲	۰/۰۰۰	۰/۲۸۰	۰/۰۷
۲	جنس	-۴/۳۱۶	-۰/۲۱۴	-۴/۳۲۰	۰/۰۰۰	۰/۳۵۱	۰/۱۲
۳	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	-۰/۲۶۴	-۰/۲۱۹	-۴/۵۳۲	۰/۰۰۰	۰/۴۱۳	۰/۱۶

نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در اولین مرحله متغیری که بیشترین همبستگی تفکیکی را با احساس امنیت اجتماعی از خود نشان می‌دهد، نگرش به عملکرد پلیس است. در واقع، این متغیر به تنهایی قادر به توضیح ۷ درصد از علت احساس امنیت افراد مورد مطالعه می‌باشد. لذا این متغیر مهم‌ترین متغیر اثرگذار در احساس امنیت به شمار می‌آید. مقدار Beta در این رابطه برابر با ۰/۲۸۰ است، به این معنی است که با افزایش یک واحد به سطح نگرش به عملکرد پلیس، به میزان ۰/۲۸۰ به احساس امنیت افراد افزوده می‌شود. در دومین مرحله، متغیری که بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی گذاشته است، جنسیت است. با وارد شدن این متغیر در معادله رگرسیونی مقدار R^۲ به ۰/۱۲ رسیده است که بر این اساس مقدار

۰۵٪. به مقدار R^2 افزوده است. در واقع، رابطه‌ی میزان جنسیت و احساس امنیت اجتماعی معکوس است. به طوری که مردان دارای احساس امنیت کم‌تری هستند. در مرحله‌ی آخر متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی وارد معادله‌ی رگرسیونی شده است. با وارد شدن این متغیر در معادله‌ی رگرسیونی مقدار R^2 به ۰/۳۹ رسیده است که براین اساس این متغیر ۰/۰۲ به ضریب تعیین مدل رگرسیونی حاضر افزوده است. با توجه به مقدار Beta با افزایش یک واحد به میزان پایگاه ۰/۲۱۹- از احساس امنیت آنان کاسته می‌شود. با توجه به آنچه که جدول فوق نشان می‌دهد، این مدل در نهایت توان توضیح ۱۶ درصد از واریانس احساس امنیت اجتماعی را از طریق ۳ متغیر مذکور دارد. سایر متغیرهای مطرح شده در این تحقیق نتوانستند در کنار این متغیرها در توضیح واریانس احساس امنیت اجتماعی افراد در شهر همدان نقش داشته باشند و از معادله خارج شدند.

نتایج مدل تحلیل مسیر نیز در شکل زیر نشان داده شده است. در این مدل نیز نگرش به عملکرد پلیس قوی‌ترین متغیر شناخته شده است. متغیر پایگاه متغیر بعدی است و سپس متغیر جنسیت با تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی که بر متغیر واسطه نگرش به عملکرد پلیس داشته است، به عنوان آخرین متغیر وارد این مدل شده است و توانسته‌اند ۱۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی کنند.



بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله با تأکید بر نظریه ساختاریابی گیدنز به تبیین عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر همدان پرداخته شد. گیدنز معتقد است قواعد می‌توانند روش‌ها و فرمول‌های ترکیبی متنوعی برای هدایت مردم در مورد ارتباط، کنش متقابل و سازگار شدن با دیگران ارائه دهند. اگر روش‌ها و فرمول‌های کاملاً درک شده‌ای وجود داشته باشد (یعنی قواعد) که کنش‌ها را هدایت کنند، باید قابلیت اجرای وظایف هم وجود داشته باشد. چنین قابلیتی نیازمند منابع و تجهیزات مادی و توانایی کنش در موقعیت‌هاست (ترنر، ۲۰۰۳).

تحلیل توصیفی نشان داد که بیش از نیمی از شهروندان ساکن در همدان میزان احساس امنیت اجتماعی خود را متوسط رو به پایین گزارش کرده‌اند. سایر یافته‌های تحقیق نیز نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان، در شهر همدان احساس امنیت اجتماعی می‌کنند.

جنسیت به‌عنوان یک منبع تخصیصی که آبشخور آن قواعد تفسیری و هنجاری است، احساس امنیت فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخی از این قواعد در مورد زنان مانند قوانین ارث، حق طلاق، تصورات قالبی که به‌عنوان قواعد تفسیری در محاوره‌ها و کنترل‌های بین افراد دیده می‌شود، می‌تواند منجر به این شود که زنان در معرض اضطراب‌ها و استرس‌هایی بیش از مردان قرار بگیرند. به دلایل گوناگونی زنان در استفاده از وسایل نقلیه (و سایر امکانات اجتماعی) محدودتر و آسیب‌پذیرتر

هستند و با مشکلات متعددی مواجه هستند که امنیت آنان را خدشه‌دار می‌کند. این قواعد مربوط به جنسیت در طول زمان به منبع تبدیل می‌شود، به طوری که جنسیت برای مردان تبدیل به منبعی گشته که به آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی قدرت می‌بخشد. همواره موضوع جنسیت در ارتباط با فرصت‌ها در جامعه مطرح بوده است. هر چند تلاش‌های مستمر در زمینه رهاسازی زنان از قیود قواعد تفسیری نظیر تصورات قالبی تا حدود زیادی به ثمر نرفته است، همچنین در عرصه‌های شغلی و اجتماعی زنان نیز به منابع و امکاناتی دست یافته‌اند، هنوز راه برای احساس امنیت نمودن آنان در فضای اجتماعی طولانی است. نبود امنیت برای زنان، چه واقعی و چه بالقوه سبب می‌شود تا زنان نتوانند شهروند تمام عیار به شمار بیایند. مشارکت بیشتر مردان نسبت به زنان در نیروی کار باعث افزایش مشارکت‌های رسمی آنان نسبت به زنان می‌گردد.

در این پژوهش، وضعیت تأهل، قومیت و وضعیت اشتغال متغیرهای زمینه‌ای بودند که رابطه‌ی معناداری با احساس امنیت اجتماعی نداشته‌اند. این‌که مجرد یا متأهل بودن بتواند منبع برتری یا کهنتری در جامعه باشد و احساس امنیت یا عدم امنیت نماید، در این پژوهش دیده نشده است.

متغیر بعدی، متغیر قومیت است که رابطه‌ی معناداری با احساس امنیت اجتماعی ندارد؛ به طوری که میانگین احساس امنیت فارس‌ها و غیرفارس‌ها تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهند.

وضعیت اشتغال نیز به‌عنوان یکی از متغیرها رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی برقرار نکرده است. در این تحقیق، بیش از نیمی از افراد مورد مطالعه غیرشاغلین بودند. تعداد زیاد غیرشاغلین حاکی از آن است که زمانی که عده زیادی از افراد جامعه یک منبع باارزش را در اختیار نداشته باشند، آن منبع دیگر چندان

نمی‌تواند عامل برتری و امتیاز میان اعضا باشد. چون بسیاری آن را ندارند. لذا یکدستی و تشابه در نداشتن ایجاد می‌شود. به این ترتیب بسیاری از افراد از ترس نداشتن آن منبع احساس عدم امنیت در آن جامعه نمی‌کنند..

متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی نیز رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی دارد. گیدنز کاربرد ویژگی‌ها، ابزار و کالاهای مادی برای کنترل و هدایت الگوهای کنش متقابل در یک زمینه را منابع تخصیصی نامیده است. پایگاه اقتصادی- اجتماعی به‌عنوان منبعی برای احساس امنیت اجتماعی است. لذا می‌توان گفت در کنار قواعد، منابع نیز سهمی هر چند کم‌تر را در احساس امنیت اجتماعی دارند. اما رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی و احساس امنیت رابطه‌ای معکوس است، به نحوی که افراد دارای پایگاه بالا احساس امنیت پایینی دارند. در توجیه این رابطه می‌توان گفت شرایط ناامن جامعه از دیدگاه شهروندان دارای پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالا احساس امنیت اقتصادی آنان را در معرض مخاطره قرار داده است. به طوری که با وجود عدم همکاری در پاسخگویی صادقانه به سؤالات پایگاه، شواهد حاکی از امنیت اقتصادی بالا بود، اما احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی بالا در بین این شهروندان مشاهده گردید. در نهایت، می‌توان گفت رسانه‌های جمعی به‌عنوان یکی دیگر از منابع تخصیصی رابطه‌ی معنی‌داری با احساس امنیت اجتماعی ندارد.

به لحاظ روش‌شناسی، احساس امنیت سازه‌ای چندبُعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف قابل سنجش و اندازه‌گیری است. منابع تامین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف جامعه متفاوت از همدیگر است، از طرفی احساس امنیت که خود مقوله‌ای روانشناختی و اجتماعی- فرهنگی است، تحت تأثیر اهداف و ابزارهای جامعه برای تحقق آن است. در این پژوهش، احساس امنیت

اجتماعی بیشتر متأثر از قواعد بود، هر چند منابعی نظیر جنسیت و پایگاه اقتصادی- اجتماعی در ایجاد احساس امنیت نقش آفرینی داشتند. در هر جامعه‌ای پلیس به‌عنوان مهم‌ترین نیروی تامین‌کننده امنیت به‌شمار می‌رود. نیروی انتظامی و پلیس با تدوین برنامه‌ها و اجرای این برنامه‌ها در صدد افزایش احساس امنیت در بین شهروندان باشد و یکی از ابزارهای این پروسه اجرای قوانین از سوی پلیس و نیروی انتظامی است که باعث پرورش اعتماد در بین شهروندان خواهد بود. هرچند تدابیر امنیتی پلیسی و مبارزه با فساد در داخل خود پلیس می‌تواند نقشی ویژه در افزایش امنیت داشته باشد، اما از طرف دیگر نیز به‌گفت بروس شینر افزایش تدابیر پلیسی بیش از حد، خود می‌تواند از منابع احساس ناامنی باشد.

علی‌رغم قدمت همدان به لحاظ شهرنشینی، در این شهر ناامنی اقتصادی مسأله‌ای است که یافته‌های تحقیق حاکی از آن است. نرخ بیکاری بالا، نبود صنایع مادر، عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، عدم حمایت از سایر سرمایه‌گذاران، انباشت سرمایه‌ها و سپرده‌های شخصی، عدم روحیه ریسک‌پذیری و داشتن روحیه محافظه- کارانه و ... می‌تواند یکی از جمله دلایل عدم امنیت اقتصادی در شهر همدان باشد.

در نهایت، می‌توان گفت در کشورهایی که امنیت اجتماعی به معنی وسیع کلمه از متن و بطن روابط اجتماعی جامعه شکل گرفته باشد، حمایت از آن نیز توسط خود افراد تضمین می‌شود. برعکس، در کشورهایی که این امنیت به معنی فوق وجود نداشته باشد و آن را بیشتر به‌صورت وارداتی تلقی کنند وضع به‌گونه‌ای دیگر است؛ یعنی ناامنی اجتماعی حاکم بر شکل قانون دولتی می‌شود و آن را می‌شکند و اولین شکنندگان آن خود مردم هستند. در این گونه جوامع، روابط اجتماعی اولین عاملی است که خود برای فرار از قانون وسایلی را تعبیه می‌کند. مردم علاوه بر

این‌که از این امر شرمنده نمی‌شوند، آنرا نوعی زرنگی تلقی می‌کنند. در این‌گونه کشورها که بافت بوروکراسی اداری با فرهنگ اجتماعی مردم انطباق دارد، خود نظام بوروکراسی که مسؤل تحقق آرمان‌های قانون است فرار از آن را تسهیل می‌کند و به‌صورت غیرمستقیم در تخریب قانون شرکت فعال دارد. وجود و حضور امنیت به اعتبار جامعه‌شناسی آن از لوازم فعالیت اقتصادی است. جوامعی که به رشد صنعتی رسیده‌اند این امنیت را به شکل‌های مختلف تامین نموده‌اند و این در حالی است که در کشورهایی نظیر ایران، این امنیت تحقق نیافته است. (رضاقلی، ۱۳۷۷، ۱۵).

پیشنهادات زیر به منظور ارتقای احساس امنیت اجتماعی در شهر همدان ارائه می‌شود:

۱. تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی از طریق درونی‌سازی هنجارها و قوانین و ارائه آموزش‌های لازم جهت پرورش رشد شخصیت و فرهنگ.
۲. طراحی روش و سیستم برای پیاده کردن ارزش‌ها.
۳. تثبیت حاکمیت قانون و مقررات در جامعه که در نتیجه آن اعتماد اجتماعی افزایش یابد.
۴. تدوین استراتژی‌های پیشگیری از ورود جامعه به شرایط ناامنی (مانند اعتیاد، بیکاری).
۵. ارتباط با افکار عمومی و اصلاح سیستم اطلاع‌رسانی و جلوگیری از انتشار شایعات.
۶. افزایش آگاهی و آموزش عمومی در مورد نحوه حفاظت از جان و مال و نحوه همکاری مردم با مأمورین انتظامی.
۷. وارد نمودن مقوله امنیت اجتماعی و انتظامی در کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها.
۸. آموزش مأموران حافظ نظم و امنیت و ارتقا دانش و بینش آن‌ها.

۹. تقویت فرایند اجتماعی شدن امنیت.
۱۰. ایجاد شرایط اشتغال و سرمایه‌گذاری جهت صنایع مولد.
۱۱. ایجاد روحیه ریسک‌پذیری و سرمایه‌گذاری در بین شهروندان.
۱۲. حرکت به سمت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.



منابع

- بوزان، باری، ۱۳۷۸، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- ریتزر، جورج، ۱۳۸۱، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ ششم، انتشارات علمی، تهران.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، تهران.
- نصری، قدیر، ۱۳۸۱، «معنی و ارکان جامعه‌شناسی امنیت»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶، تهران.
- ربانی خوراسگانی، علی و وحید قاسمی (۱۳۸۶)، «رابطه‌ی احساس امنیت و نگرش مذهبی»، مجله-ی پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد بیست و پنجم، شماره‌ی ۴: ۱۸-۱.
- کامران، حسن و علی شعاع برآبادی (۱۳۸۹)، «بررسی امنیت شهری در شهرهای مرزی مطالعه‌ی موردی؛ شهر تایباد»، جغرافیا، سال هشتم، شماره ۲۵: ۴۶-۲۵.
- نبوی، سیدعبدالحسین، علی حسین حسین‌زاده و سیده هاجر حسینی (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی»، فصلنامه‌ی دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم: ۳۶-۹.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۵)، «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر»، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره‌ی ۲۲: ۲۸-۱۱.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۵)، «بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن؛ مورد مطالعه: شهر تهران»، تحقیقات علوم اجتماعی.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرایم)». فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره‌ی اول: ۲۹-۹.
- برآبادی، محمود (۱۳۸۲)، «شهر در امن و امان است»، شهرداری‌ها، سال چهارم، شماره‌ی ۴۱: ۴-۶۲.
- دلاور، علی و علی محمد احمدوند و علی محمد رضایی (۱۳۸۷)، «ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس احساس امنیت تهران»، دوماهنامه‌ی علمی-پژوهشی دانشور رفتار، سال پانزدهم، شماره‌ی ۲۸: ۶۰-۴۹.

روشه، گی (۱۳۸۹)، تغییرات اجتماعی، نشرنی، تهران.
باباخانی، فرهاد (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت در سطوح خرد و کلان»، پایان نامه -
ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
زنجان زاده اعزازی، هما (۱۳۸۰)، «زنان و امنیت شهری»، مجله‌ی تخصصی زبان و ادبیات
دانشکده و علوم انسانی مشهد، شماره ۳ و ۴: ۶۰۲-۶۲۳.
محمدی، فریبرز و تاجران (۱۳۸۷). «بررسی نظری طرح امنیت اجتماعی زنان»، تهران: سازمان
تحقیقات و مطالعات ناجا، فصلنامه امنیت و نظم، سال اول، شماره ۲.
نویدنی، منیژه (۱۳۸۳). «بررسی ابعاد امنیت اجتماعی»، رساله دکتری دوره عالی تحقیقات.
رضاقلی، علی (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، تهران: نشر نی.

Olsen, bjørn Ivar Kruke and Jan Hovden (2007). "Societal Safety: Concept, Borders and Dilemmas", Journal of Contingencies and Crisis Management Volume 15.

Roy, nalanda (2008), Balancing the Tripod: Security, Immigration and the Economy In the Post-9/11 United States.

Gaunt ruth & benjamin orly (2007), JOB INSECURITY, STRESS AND GENDER, Community, Work and Family, Vol. 10, No. 3, pp. 341-355.

O'Neill, P. E (2006). "The European Union and Migration: Security versus Identity?" Defence Studies, Vol. 6, No. 3 , pp. 322-350

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی